

هرانا؛ شرح شکنجه های سپاه پاسداران در شکواییه قربانیان

تاریخ: سه شنبه، ۲۴ فروردین ۱۳۸۹



خبرگزاری هرانا - آنچه که در پی می آید شکواییه رسمی تعدادی از قربانیان سپاه پاسداران سناریویی به نام گرداب یا مضلین است.

این شکواییه که به مراجع رسمی و قانونی کشور نوشته شده است و خبرگزاری هرانا (ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران) به نسخه های اصلی آن دست پیدا کرده است، به عنوان سندی مهم در خصوص شکنجه و سناریو سازی برای بازداشت شدگان توسط نیروهای امنیتی محسوب می شود.

لازم به ذکر است مشابه این سناریو در حال حاضر در مورد ده ها تن از فعالان حقوق بشر در بند ۲ الف سپاه پاسداران مستقر در زندان اوین نیز جاری است که بررسی مستندات ذیل می تواند به روشن شدن افکار عمومی در خصوص وضعیت بحرانی زندانیان دیگر نیز موثر باشد.

این سند توسط سه تن از متهمین پرونده به نام های سعید ملک پور، شهروز وزیری، وحید اصغری به امضا رسیده است.

متن نامه بدین شرح است:

ارائه گزارش شکنجه وحشیانه من و بی اعتبار دانستن اعترافات و بازجویی ها و تحقیقات پرونده «شکواییه»

به قاضی محترم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی جناب آقای صلواتی

رونوشت به دادسرای نظامی تهران

اینجانب که مدت بیش از ۲۲ ماه است که به عنوان متهم در بازداشت موقت بسر می برم و این مدت بازداشت را که با شکنجه های جسمی و روحی و روانی ددمنشانه وحشتناک متعدد طولی المدت همراه بود و آثار عواقب بدی روی بنده داشت را با نوع موارد اتهامی تخصیص داده شد به بنده متناسب و همگون نمی دانم و خواستار توجه به موارد زیر هستم:

طی پرونده سازی و جرم سازی برای بنده پرونده بزرگ نمائی اتهامات در جهت اغفال دادگاه و قاضی توسط بازجویان پرونده دنبال شد که موجب اظهار شخص بنده که خاطی نیستم گردید و حالات سالم روحی و روانی بنده را عمیقاً تغییر داد (طبق گواهی پزشکی قانونی و روانپزشک بهداری اوین) بازجویان مسبب تغییر حالات و جا به جایی و شکستگی جمجمه سر، دماغ و مهره پشت کمر و گردن من و خونریزی بینی داخلی سطحی و خونریزی لته و دست و پای بنده شد و ضربه های مغزی ایجاد حالات کوفتگی بدن و پاها و ضربات شلاق و باتوم و شیلنگ و ضربه های سنگین دست به سر و مغز و گوش ها و صورت بی دفاع من و لگد به پاها و شکم و سر و خونریزی لته و دست و پای بنده زدند و ضربه های مغزی و ایجاد حالات کوفتگی بدن و پاها و ضربات شلاق و باتوم ساعت ها در طول شب و روز ادامه داشت و برای همه به کار می رفت و خودم در صحنه حاضر بودم که دیگران را آزار و اذیت می کردند بازجویان و کارشناسان خودسر قوه قضائیه و سپاهیان پدافند سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علاوه بر آن تنبیه های بدون حکم قانونی و غیر شرعی، فحش های رکیک و توهین های ناموسی و جنسی به من و خانواده ام و حتی خانواده خودشان و خدا و پیغمبر (العیاذبالله) و رهبر و غیره پشت سر هم می دادند

در حالی که شخصیت و شعور و موقعیت اجتماعی من بالا و محترم است و اتهامات وارده را قبول ندارم زیرا بازجویان با جعل و تزویر در عنصر معنوی جرم و دست کاری درسیات علمی و اهداف من در راه اندازی و اداره سایت ها توسط عناصر تلقین نیات و اهداف بدو وعده آزادی تبرئه و یا با زور و اجبار و اکراه و شکنجه باعث تحریف و دستبرد در نیات بنده شدند.

اگر مرا به پزشکی قانونی اعزام کنید، گواهی پزشکی قانونی را برای اثبات صدق گفتارم ارائه می نمایم و بازجویان و مسئولان شکنجه گر در دادگاه حاضر شوند {...} ابراز کنند خودشان که شکنجه ها را مرتکب نشدند اگر انکار کردند و خدا دروغگو را دوست ندارد آن ها ماه ها شبانه مرا به طور غیر قانونی از اوین تحویل گرفته و به شکنجه گاه مخفی سپاه به اسم رمز «شرکت» که در مکان مجهول قرار دارد و فرا قانونی عمل می کند با چشم بند و دست بند می بردند و به خاطر هدفشان که ایجاد انحراف و سوء استفاده {...} از پرونده بود شروع به گذاشتن من در کمد تنگ و تاریک با حیوانات موزی و سیاه چال و وان حمام (همراه با دست بند و پا بند) و کیسه های هوا خفه کننده و زد هوا و اکسیژن روی سر و روی من انداختند (دقیقا عین کیسه های مخصوص گوانتانامو و ابوغریب) و مرا شدیداً به چوب بسته و به حالات کاسه سر و به سمت پائین آویزان کردند با طناب و دستبند و شلاق و سیلی می زدند.

متنوباً تا غیر حقیقت و غیر واقع بود و خواست آن ها بود را بنویسم و امضا کنم و در مقابل دوربین همکاران سانسور چیشان (صدا و سیما) اعترافات بزرگ و دروغین بکنم (که به طور غیر قانونی در برنامه شوک برنامه ویژه سپاه شبکه یک و اخبار ۲۰:۳۰ و سایت غیر قانونی گرداب متعلق

موضوع مرتبط

سعید ملک پور فعال سایبری محروم از مرخصی

مطالب مرتبط

تغییر حکم اعدام سعید ملک پور و احمدرضا هاشم پور به حبس ابد

هرانا؛ وحید اصغری از رفتن به دادگاه امتناع کرد

هرانا؛ نامه بستگان وحید اصغری خطاب به مسئولین قوه قضائیه

پسندیدن 0

توییت 0

g+1 0

به سپاه پخش و توزیع شد بدون اجازه از ما و دادگاه در حالی که من محکوم نیستم و متهم و اتهامات را که ساخته و پرداخته پرورده خودشان است را قبول ندارم و دادگاه هم حکمی نداده است مبنی بر اینکه من مجرمم!.

آن‌ها با نشان دادن چسب قطره‌ای بزرگ و تیزی و ضربه زدن به شکم و پهلو با پنجه بوکس و گذاشتن چاقو زیر گلویم و روی رگ دستم و تهدید به قتل و تجاوز جنسی چند نفره به من به زور هر چه می‌خواستند را تلقین می‌کردند و با وعده و اجبار از من اعتراف غیر واقعی و کذب و امضا و اثر انگشت و نوار مصاحبه ویدئویی جعلی بارها گرفتند. اثبات مستند وقایع ذکر شده توسط گواهی و اعلام شکایت خودم و امضا و اثر انگشت شاهدان و متهمین دیگر هم بندی که خود نیز توسط آزار و اذیت این تیم بازجویی و شکنجه قرار گرفتند، صورت می‌پذیرد. بنده توان ارائه مشروح گزارش وقایع شکنجه چند ساعته و چندین ماهه را دارم و بدین وسیله با اعلام گواهی عدم رعایت و اجرای قوانین اساسی، آ. د. ک. ب. ق. حفظ حقوق شهروندی و آیین نامه سازمان زندان‌ها (مواد آن مستندات موجود است) از قاضی تحقیق «فاسم‌زاده» باز پرس ویژه امنیت و باز پرس همکار و دستور دهنده شکنجه گران «محمد محمدی موسوی» و بازجویان شکنجه گر و سایر افراد و دخیل دیگر شکایت و تظلم خواهی می‌کنم و تمامی اعترافات و اثر انگشت ذیل آنان را فاقد اعتبار و وجاهت قانونی می‌دانم و بر علیه افراد ذکر شده اعلام جرم می‌نمایم. نزد خدا و قانون خدا آن‌ها «دروغ واهی» دشنام و اتهام {...} و زنا و دزدی و جاسوسی و غیره به بنده نسبت دادند. به اختیار خودشان که باید توسط مراجع صالحه پیگیری شده و مجازات گردند و چون در پرونده اینجانب دست برده شده است درخواست کارشناس رسمی دادگستری می‌کنم. گواهی می‌شود که تمام جرایم موضوع قانون «منع شکنجه» مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۱ توسط بازجویان و مسئولان قضایی روی من و شاهدان نیز اتفاق افتاده است:

۱. اینجانب سعید ملک‌پور فرزند حسین راجع به رفتار بازجوها، شکنجه، حبس‌های طولی المدت انفرادی بدون ملاقات و تلفن، گرفتن اعتراف و اقرار تحت فشار روحی و روانی و طبق دیکته بازجویان و هم چنین تهدید خود و خانواده، ضرب و شتم، فحاشی و توهین که از مورخ ۱۳ مهر ماه ۱۳۸۷ شروع و تا ۱۹/۱۱/۱۳۸۸ ادامه داشته حاضر به ادای شهادت در دادگاه محترم می‌باشم. با احترام سعید ملک‌پور ۲۴/۱۲/۱۳۸۸
۲. بنده شهروز وزیری فرزند مظاهر در خصوص شکنجه روحی و روانی و جسمی و حبس طولی المدت انفرادی و توهین و فحش و ضرب و جرح توسط بازجویان سپاه و گرفتن اقرار زوری و دیکته شده و عدم تماس قانونی با خانواده و نداشتن وکیل از تاریخ ۲۴/۱۲/۱۳۸۷ تا ۱۹/۱۱/۱۳۸۸ حاضر به شهادت در دادگاه محترم می‌باشم. شهروز وزیری ۱۶/۱۲/۱۳۸۸

درباره موارد اتهامی از قبیل راه اندازی سایت‌های غیر دینی و غیره نکته مهم این است که در راستای قوانین و مجاری جریان آزاد اطلاعات در محیط اینترنت بنده اقدام به اختصاص فضا و دامنه به فعالان حقوق بشری، زندانیان سیاسی و دانشجویان دستگیر شده که زیر شکنجه بودند از قبیل احمد باطبی، فعالان حقوق زنان و وبلاگ‌های نظیر زهرا. اچ. بی. دات. کام و پناهنده‌های اجتماعی و سیاسی مقیم خارج از ایران نمودم و سایت آنان را مدیریت و پشتیبانی فنی و مالی می‌نمودم که خلاف قوانین الهی که متضمن رعایت حقوق بشر و افراد است نبوده است و هرآنچه را از نوشته و محتویات درون سایت‌های ایشان بود با مسئولیت خود ایشان است نه بنده و ایراد جرم براندازی نرم و جنگ سایبری به بنده که یک اتهام سیاسی است موجب می‌شود تا من الزاما با حضور هیات منصفه محاکمه شوم. اگر قوانین بخواهد برای اولین بار در مورد من اجرا شود من خودم هیچ تولید و تهیه‌ای نداشتم از آن اوایل ورود به اینترنت تا به حال هیچ نوشته و مطلبی از خود ارائه نکردم و فقط حمایت کننده سایت‌هایی بودم که ضد نظام و ضد انقلاب و ضد دین شناخته شده‌اند.

جزئیات اتهامات من چنین است:

مدیریت سایت احمد باطبی - ارتباط با گروهک‌های ضد انقلاب هم چون کومله و عامل فراری دادن احمد باطبی از مسببان ۱۸ تیر ۷۸ در نتیجه این ارتباطات و شناخت، اخذ ماهیانه ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار از کنسولگری‌های آمریکا در راستای جنگ نرم علیه نظام مقدس ج. ا. ا، جاسوسی برای سی‌آی‌ای و منافقین و ارتباط مستقیم با منافقین تبلیغ استخدام کارمند برای سازمان در سایت‌های خود، ارتباط و همکاری و ساپورت مالی و خط دهبی به سایت‌های علیرضا نوری‌زاده و سلطنت طلبان دیگر، سایت گویا نیوز و شرکت آمریکایی و ضد دین ایران گویا، ارائه پیشنهاد همکاری و ساپورت‌های فنی و مالی و تبلیغی گروه‌ها و سازمان‌ها و نشریات حقوق بشری از قبیل سازمان دیده‌بان حقوق بشر و نشریه لوموند فارسی و سایت تبلیغاتی علیه نظام mitras.org و غیره اداره شرکت‌های مختلف در آمریکا و بهره برداری از آن‌ها در راستای جنگ نرم علیه نظام ج. ا. ا... این‌ها در حالیکه دارند بنده را با قانون سمعی و بصری (قانون صدا و سیما و سینما) در دادگاه انقلاب! و قاضی که تخصص رسیدگی به جرایم رایانه‌ای نیست! محاکمه می‌کند و پیشاپیش با پرونده سازی‌ها و بزرگ نمایی‌های خود طبق آیه ۳۳۰ سوره مائده درخواست اعدام نیز کرده‌اند در کیفر خواست!!

بنده باید در دادگاه جرایم رایانه‌ای با قانون جرایم رایانه‌ای توسط قاضی جرایم رایانه‌ای و کارشناس فنی قوه قضائیه محاکمه شوم و این حق من است.

بنده اعترافات زیر شکنجه و آزار خود را فاقد وجاهت قانونی و شرعی می‌دانم تماما و قصد خود را در ایجاد و اداره سایت‌ها در جهت مقاصد علمی اعلام می‌کنم بنده به علت رشته تحصیلی‌ام «مهندسی کامپیوتر» و احاطه‌ام به اینترنت اقدام به وا کاوی، پژوهش و روان‌شناسی و تجارت در محیط سایبر نمودم چنانکه بازجویان و باز پرس پرونده به علت بی‌سوادی و کار ن‌شناسی دست گذاشته‌اند روی اقدامات سخیفی چون معرفی من به قاضی بی‌اطلاع پرونده به عنوان گیرنده و دریافت کننده ایمیل‌های خبری از سایت رادیو آمریکا و بی‌بی‌سی فارسی و نیویورک تایمز و عضویت در سایت بالاترین و ایران پروکسی و تهیه خبر برای بی‌بی‌سی و گویا نیوز و بالاترین و ایرانیان دات کام و معرفی خوانندگان رپ هم چون خانم «آتش» برای اولین بار در رسانه‌هایی هم چون بی‌بی‌سی و برنامه بهزاد بلور و ترویج فرهنگ موسیقی رپ از این طریق، و اداره چندین سایت خبری ضد نظام و خبرگزاری آنلاین و جاسوسی از سپاه و نیروگاه‌های انرژی هسته‌ای از طریق دریافت اختصاصی خبر و عکس و فیلم به طور محرمانه از افراد متخصص، مرتبط و منافق و ارائه آن در سایت خبری خود و ترویج فرهنگ هالیوود و پشتیبانی از پروژه‌های سیا و موساد در هالیوود از طریق سایت خبری انگلیسی-سینمایی خود و راه اندازی و اداره مخفیانه ده‌ها پروکسی و فیلتر شکن در جهت تسهیل افراد مقیم ایران برای دسترسی به سایت‌های ضد انقلاب و رادیوهای آنلاین بیگانه و ضربه زدن به سپاه از طرق انتشار و عکس‌های کشتار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شمال کشور ایران و تبلیغ علیه نظام اسلامی و انتشار متن‌های «آموزش برپایی تظاهرات بدون خشونت و راه پیمایی‌های آرام و نافرمانی مدنی» در اینترنت و تبلیغ سایت‌های افراد ضد انقلاب و ایران در سایت‌های خود و در اخبار سایت‌های خبری-

تحلیلی خود و راه اندازی سایت‌های لینکستان سیاسی - خبری ضد نظام و ضد دین، حتی خریداری دو پیراهن و تی شرت با آرم سیمرغ و ایران و از سایت پسر مسعود بهنود ضد انقلاب فراری، آقای «بینا بهنود» که مقیم نیویورک است نیز همراه با موارد بالا برای من جرم تلقی شده است در حالیکه جرم انگاری چنین مواردی خلاف قوانین نص صحیح قرآن کریم است.

تمام کارهایی که کرده‌ام و سبب ایراد اتهام از جانب قوه قضائیه شده است به من در جهت دفاع از حقوق اولیه و اساسی بشر و علم بوده است و با خرافات و ارتجاع مبارزه کرده‌ام (۱۴۹ ال عمران) و مدافعان حقوق بشر از من و اعمالم و نیتم حمایت می‌کنند. وقتی حقیقت را می‌فهمند پس دستگاه عدالت ج. ا. ا پرونده مرا به سبب عقیده و طرز فکر و نوع فکر و نوع نگاهم سیاسی کرده‌اند و کارهایی روی من انجام داده‌اند که تماما جزء موارد نادر نقض حقوق بشر است. یعنی حتی آن‌ها از پاشیدن ادرار روی صورت بنده دریغ نکرده‌اند و اتهامات خود را به من نسبت دادند. چنین اتهاماتی که در اصل کوچک بودن هنگام بازجویی و دخالت کارشناسان سپاه به یکباره هزاران بار و به اندازه ۹۹٪ کل جرمی که مرتکب شده‌ام بزرگ نمایی و پرونده سازی شده‌اند برای دادگاه اسلامی!! و اغراض سیاسی و شخصی و دست‌های پنهان و آشکار و قوانین جاهلانه و ناقص و وجود کارشناسان در امر بررسی و بازجویی و کارشناسی پرونده و اعتراف‌گیری‌های دروغین از من به ضرب و زور شکنجه و... باعث شده تا کار من بزرگ جلوه داده شود و دروغ‌های ساخته شده را واقعی جلوه داده و با تغییر در عنصر معنوی جرم به ریا، وارد پرونده‌ام کنند و کذب‌ها را بی‌دانشی مسئولان قضایی و ضابطان قضایی که فرق کامپیوتر و اینترنت را نمی‌دانند (واقعاً نمی‌دانند) و تعریف لغوی آن‌ها را نیز لااقل نمی‌دانند و نمی‌فهمند باعث خبط موضوع و درست درک نکردن آن شده است. مثلاً در برگه‌های ابقاء و قرار و بازجویی از من و یا در قوانین «سمعی و بصری» مصوب مجلس شورای اسلامی و... حتی، چنین نوشته می‌شود که ایشان اقدام به راه اندازی و اداره سایت‌های کامپیوتری!!! می‌کند و بر علیه نظام که این یعنی راه اندازی و اداره کافی نت نه سایت‌های اینترنتی!! زیرا سایت اینترنتی در همه جا معنی کافی نت را می‌دهد و با سایت اینترنتی در وب‌گاه فرق می‌کند!! قابل ذکر است که اتهامات من در اروپا و آمریکا و کانادا و اقیانوسیه نه تنها جرم و اتهام شمرده نمی‌شود بلکه جایزه و پاداش هم برای اداره کنندگان چنین سایت‌های اختصاص می‌یابد مانند جایزه‌های طراحی وب، وبلاگ نویسی، آزادی بیان، حقوق بشر و سلامت و پزشکی و روان پزشکی و غیره و اقدام من قانونی و شرعی بوده است طبق قوانین آن کشورها و قوانین بین المللی و سازمان ملل متحد و قوانین الهی قرآن کریم. امیدوارم ریاست قوه قضائیه که نگرانی خود را نسبت به پرونده سازی‌های کاذب همچون دیگر روسای قوه قضائیه نشان داده‌اند و اظهار کرده‌اند: دادسراها نباید اجازه پرونده سازی‌های خارج از دادسراها را به ضابطین قضایی بدهند. کار قضائی نیز رسیدگی به حق است. بنابراین نباید وظایف خود را به دستگاه‌های دیگر محول کند، اینکه قاضی اختیار کارهای قضائی را در دست این نیروها قرار دهد و آن‌ها نیز برگه سفیدی در اختیار داشته باشند و شروع به پرونده سازی کنند، خلاف قانون است. امروز استنطاق و بازجویی‌ها به گونه‌ای است که برخی از مراجع اطلاعاتی و امنیتی افراد را دستگیر و آن‌ها را در بازداشتگاه‌های خصوصی خود مورد بازجویی قرار می‌دهند و آنگاه آن‌ها را به سازمان زندان‌ها ربط می‌دهند بازجویی کار قضائی است. اقراری که در حضور قاضی نباشد اقرار نیست و وجهه قانونی ندارد. کدام حقوق‌دان و متفکر اسلامی چنین بازجویی‌هایی که در برخی بازداشتگاه‌های خصوصی می‌شود را اقرار می‌داند؟! اقرار؛ مبانی خاص خود را دارد. اقرار فرد باید علیه خود باشد نه علیه دیگران بنده این مطالب را تحت تاثیر حقوق بشری که برخی کشورها مدعی آن هستند نمی‌گویم. خود آن‌ها بزرگ‌ترین ظلم و نقض‌های حقوق بشری را مرتکب می‌شوند، ما داعیه دار علی هستیم و عدلی که او می‌گوید قاضی حق ندارد به یکی از دو طرف پرونده لبخند بزند و با طرف دیگر با اخم نگاه کند، علی این‌ها را ظلم شناخته است. باید اجازه داد که متهم از خود دفاع کند، قاضی نباید زود قضاوت کند و برآن مبنا مبادرت به صدور کیفر خواست کند، این خلاف قانون اساسی و اسلام است «۱۴/۲/۱۳۸۶» به نقل از خبرگزاری‌ها)، (نقل از هاشمی شاهرودی، از هفته نامه «شهروند امروز» ویژه نوروز ۱۳۸۷)، رفع ظلم از من و بقیه کنند و صدای تظلم خواهی بشر را در بیدادگاه‌های ج. ا. ا بشنوند. حق پایدار است و آخرت پاینده‌تر است، آیا به تفکر در نمی‌آید؟ الان هنوز است هیچ وقت اجازه ملاقات با وکیل و بررسی پرونده را به من نمی‌دهند در حضور وکلایم آقای ذوالقدر و امین شرعی حتی در داخل صحن دادگاه اجازه حرف زدن و احوالپرسی نیز به من با وکیل نمی‌دهند! این پرونده احتیاج به کارشناسی من از یک طرف و کارشناسان فنی قوه قضائیه (متخصصین در جرایم رایانه‌ای و فناوری اطلاعات) از یک طرف دیگر دارد و بدون کارشناسی و نبودن اجازه ملاقات با وکلایم این دادگاه و محاکمه فاقد وجهت قانونی است و ظلم در حق متهم است. بارها آنان سایت‌هایی که متعلق به دیگران است به من به کذب نسبت داده‌اند در حالیکه که بنده در تولید و تهیه آن‌ها هیچ اختیار و دخالتی نداشته‌ام و در ویدئوهای زیر شکنجه وادارم کرده‌اند تا باطبی را جاسوس اسرائیل بنامم و حسین درخشان را جاسوس وزارت اطلاعات ایران و سیا! به خاطر دریافت عکس‌های تمسخر رهبر و سران نظام و امامان شیعه در ایمیل به اجبار و اتفاقی اتهامات توهین به امامان و توهین به رهبری و تشویش اذهان عمومی در بازجویی‌ها به من بستند در حالیکه دریافت آن ایمیل‌ها به اختیار خودم نبوده است به خاطر آگهی‌های گوگل و استراتژیست گوگل بودن و دریافت پول از آن موسسه عظیم فناوری جستجو، اتهام تحصیل مال نامشروع به بنده زده‌اند!! در حالی که چنین مواردی خنده دار است و آن‌ها فعالیت غیر قانونی ندارند و موسسه‌ای تجاری‌اند. شدیداً اسرار دارند که من عضو منافقین هستم و در شاخه فرهنگی آنان فعالیت می‌کنم و اتهام بزرگم به کذب همین است! در حالی که هیچ ارتباطی با آن‌ها نداشته‌ام و هیچ یک از آن‌ها را ملاقات نکرده‌ام و شناختی ندارم از آنان! آیا این اغراض نیست!؟

به یک برادرم که شبانه او را مثل من از خانه‌اش ربوده و دزدیده بودند بدون نشان دادن حکم قضایی و غیره و به اوین منتقل کرده بودند، اتهام کذب تبلیغ علیه نظام زده‌اند در حالی که ایشان فعالیتی نداشته است و روحش هم خردار نیست و از اینترنت و کامپیوتر هم چیزی نمی‌داند! برادر دیگرم نیز که در ترکیه به سازمان ملل پناهنده است و هیچ یار و یآوری ندارد و آواره‌اش کرده‌اند به اتهام اداره سایت‌های ضد دینی و ضد نظام و تبلیغ علیه نظام فشار آورده‌اند تا وبلاگش را تعطیل کند و تهدیدش کرده‌اند که او را به قتل می‌رسانند و اگر پایش به ایران برسد و یا دیپورتش کنند زیر شکنجه او را می‌کشند.

آن‌ها را ترسانده‌اند شدیداً و گفته‌اند به آن‌ها که تحت تعقیب سپاه هستند و تلفن‌هایشان در حال شنود است و حق فعالیت وبی ندارند. طبعاً برای فشار بر من به آن‌ها نیز فشار آورده‌اند و می‌آورند غافل از اینکه من فقط در حال انجام رسالت خویش بودم و هستم در حق ابنا بشر و مرا از شما ترس و گریزی نیست تا زمانی که هر دو تسلیم حق شویم و یا داوری را به روز» باز پرس «(قیامت) واگذار کنیم.

جز این نیست که خداوند بهترین داور است. دادستان و قاضی صلواتی از شکنجه‌های سپاه و بازجویان با خبرند در اوین ولی نه تنها آن‌ها را انکار می‌کنند بلکه مرا که می‌گویم ۶۰ سال است که در اوین شکنجه می‌کنند و آدم می‌کشند و به زندانیان سیاسی آزار می‌رسانند را دیوانه می‌خوانند زیرا گوش‌هایشان به حقیقت باز نیست و اینگونه خدا به دل‌ها و گوش‌های آنان مهر می‌زند.

بعد از دکتر احمد باطبی، عکاس، وکیل و اینک مدیر سایت او هم به زندان افتاده‌اند و مردمانی سعی در خراب کردن آنان در اذهان دارند که

خود خرابی برای مملکت و بشریت به بار آورده‌اند و اهل اصلاح نیستند.

همه این‌ها در حالی است که من نفر و رتبه سوم مسابقات احکام در کشورم و قرآن کریم را به زبان انگلیسی در اینترنت و آمریکای شمالی چاپ و انتشار دادم و بازجوها برای این مورد هم پاپوش مضحکی دوختند به خیال خودشان و آن قرآن را قرآن سنی‌ها دانسته‌اند!! در حالی که قرآن کریم یکی است و هیچ تغییری در آن قابل لحاظ نیست نه از طرف شیعیان (که تفسیرهای خود را در ترجمه قرآن وارد نموده‌اند) و چه از طرف سنی‌ها و افراد دیگر. (که قرآن باید بدون تفسیر به رای باشد)

مطابق قوانین ذیل از کارشناسان و بازجویان و بازپرس و قاضی پرونده و سپاه (پدافند سایبری) اعلام شکایت و تظلم خواهی به عنوان شاکی ستم دیده می‌نمایم و از دادسرای محترم نظامی تهران و از دادسرای انتظامی قضات توقع رسیدگی به شکایت قانونی بنده و رفع ظلم و آثار ظلم می‌نمایم و در مقام احقاق حق خواستار توجه به مواد شمرده شده مستند و مستدل ذکر شده زیر هستم:

ماده‌های ۱۲۴، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۳، ۲۷۱، ۲۷۷، ۴۴۶، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۷۰، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۷، ۵۹۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۷، ۶۲۸، ۶۶۸ و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی.

ماده‌های ۲۰، ۲۳، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۱۶۹، ۱۷۳ و ۲۰۲ قانون اساسی ج. ا. ا.

ماده‌های (تبصره ماده ۵۹)، ۳۹، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۹۰، ۱۹۶، ۲۰۵ و ۲۱۰ قانون آئین دادرسی کیفری

و قانون حفظ حقوق متهمین، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، آئین نامه سازمان زندان‌ها، میثاق‌های بین المللی و ملی و قانون منع شکنجه و قانون آئین دادرسی کیفری بین المللی به همراه ماده‌های ذکر شده فوق هیچ یک روی من انجام نگرفت و رعایت نشد و هم چنان افراد خود سر سپاه و قوه قضائیه و دخالت‌های بی‌جا و ظالمانه وزارت اطلاعات که بنده خود شاهد عینی‌اش بوده‌ام و به تجربه در نقض حقوق بشر و متهمین پیوسته دخیلند و این غده‌های سرطانی همچنان دارند به کار خویش تحت حمایت‌های دولت و مجلس و قوه قضائیه ادامه می‌دهند و از هیچ چیز حتی خدا ابایی ندارند و من آن‌ها را ارشاد کرده و به ترس از خدا فرا می‌خوانم و روزی را به یاد می‌آورم که طومار ظلم و تعدی بر چیده شود در آینده. پس آیا گوش شنوایی هست؟

من از روزی ترسانم که قوانین خدا که روی زمین گذاشته شده است به درستی و با عدالت کامل به طور تام و فرا گیر روی همه اجرا شود در زمین. پس منتظر چنین روزی باشید که من هم با شما از منتظران (اوامر الهی). نیاز به یادآوری است که با این وضع روحی و روانی و جسمی بنده بعد از حبس‌های انفرادی طویل‌المدت و شکنجه‌های گوناگون، هنوز حتی یک روز هم مرخصی نداشته‌ام و تبدیل قرار صورت نگرفته است و هنوز از پائین تا بالا روی ادعاهای دروغین خود اصرار می‌ورزند.

وحید اصغری / نوزدهم اسفند ۸۸

گروه: اندیشه و بیان

برچسب‌ها: سعید ملک‌پور شهروز وزیری وحید اصغری